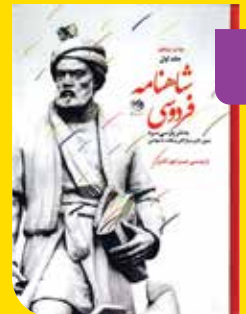


شاهنامه به نثر



■ بازنویسی:
میترا مهرآبادی
■ ناشر: روزگار

«شاهنامه به نثر» نشر روزگار نخستین متن کامل شاهنامه به نثر در ایران است که در سال ۷۹ منتشر شد و تا به امروز ۶۰ بار تجدیدچاپ شده است. هر چند طی سال‌های اخیر ناشران دیگری هم دست به این کار زدند اما هیچ کتابی تا امروز نتوانسته جایگاهی را که این کتاب دارد، بگیرد. دکتر میترا مهرآبادی در این کتاب سه جلدی، بر اساس متن اصلی شاهنامه، پیش‌رفته و سعی کرده بدون کاربرد واژه‌های بیگانه نثری درست و روان و خوش‌خوان از شاهنامه ارائه بدهد که در کنار متن نظم شاهنامه، قرار بگیرد.

مجموعه نقد و بررسی نویسندگان



■ نویسنده:
محمد منصور هاشمی
■ ناشر: روزگار

این مجموعه‌ای ۶ جلدی از مهم‌ترین کتاب‌های نقد و بررسی در ایران است که نشر روزگار در سال ۸۵ منتشر کرد. در هر جلد، داستان‌های یک داستان‌نویس توسط یک منتقد مورد نقد و بررسی قرار گرفته است؛ به همراه گزیده داستان‌ها. جلد اول: محمدعلی جمال‌زاده، جلد دوم: صادق هدایت، جلد سوم: صادق چوبک، جلد چهارم: غلامحسین ساعدی، جلد پنجم: جلال آل احمد، جلد ششم: بهرام صادقی.

گابریلا، گل میخک و دارچین



■ نویسنده: خورخه آمادو
■ ناشر: روزگار

«گابریلا، گل میخک و دارچین» نخستین اثری است که از خورخه آمادو به فارسی ترجمه شد. نشر روزگار این کتاب را در سال ۸۲ منتشر کرد. آمادو نویسنده‌ای است که مارکز دربارہ او گفته: اگر آمادو نبود، آمریکای لاتین نبود. اهمیت آمادو در ادبیات تا جایی است که برخی او را چارلز دیکنز قرن بیستم می‌نامند. آمادو با خلق شخصیت‌های آثارش روح مردم کشورش را به تسخیر درآورد.

کتاب، چراغ زندگی است

گفت‌وگو با محمد عزیزی مدیر نشر روزگار

«نشر روزگار» از ناشران دهه هفتاد است که بیست و چهار سال از تاسیس آن می‌گذرد و بیش از هزار عنوان کتاب منتشر کرده است. «محمد عزیزی» مدیر نشر روزگار، پیش از ورود به کار نشر، شاعر و نویسنده‌ای بود که در دهه ۶۰ چند کتاب داستان و شعر منتشر کرده بود که «احمد زیدآبادی» در خاطراتش از آنها به‌عنوان کتاب‌هایی که روی او تأثیر گذاشته، نام برده است. عزیزی همچنین مدیرمسئول و سردبیر مجله رودکی در دهه هشتاد بود که از موفق‌ترین مجله‌های ادبی بود. آنچه می‌خوانید، گفت‌وگو با محمد عزیزی از کار نویسندگی تا نشر است.

هزار تومان. و هنوز این قیمت را باور نکرده‌ای، می‌گویند شد بندی ۵۰۰ هزار تومان و بعد ۶۰۰ هزار، ۶۷۰ هزار، ۷۲۰ هزار تومان، و ۸۰۰ هزار تومان! و حالا ۸۳۰ هزار تومان. فردا را خدا داند... همین افزایش قیمت در قیمت مقوای جلد کتاب و در فیلم و زینک و در چاپ متن و صحافی هم پیش آمده. حالا با این‌همه افزایش قیمت‌ها، ناشر قیمت کتاب را چند برابر می‌تواند افزایش دهد و امیدوار باشد که کتابش فروش هم برود؟ آن هم توسط خریداری که او هم قربانی گرانی و تورم مهارنشده است؟ مشکل دیگر ما ناشران، مشکل ممیزی کتاب بر اساس سلیقه‌های شخصی ممیزان وزارت ارشاد است. این سخت‌گیری‌ها به جای اینکه متوجه متن کتاب و تحلیل دقیق‌تر آن باشد، نگاه به کلمات و جملات و عبارات کتاب است. آن هم گاهی با واژه‌یاب‌هایی که قبلاً به خورد کامپیوتر خود داده‌اند. این نوع ممیزی یا سانسور اغلب اوقات گاهی تا حدی پیش می‌رود که کتاب غیرقابل چاپ می‌شود. داستان‌ها و لطایف این نوع ممیزی کردن را همه شنیده‌اند و لازم به آوردن مثال نیست. فقط یک اشاره کنم به اینکه چند سال پیش زمانی به ارشاد دادیم که در آن نویسنده جنایات صرب‌ها را نسبت به بوسنی و هرزگوین تصویر کرده بود. در ممیزی ارشاد هر جا که افسران متجاوز وارد خانه‌ای می‌شدند و فحش می‌دادند و هتک حرمت می‌کردند، می‌گفتند این‌ها را حذف کنید. گفتیم این جوری که این متجاوزان تبدیل به مردانی پاکیزه و سربازانی مقدس می‌شوند، قبول نمی‌کردند. یا گاهی کتابی را که ناشری مجوز گرفته برای اخذ مجوز برده ایم، مجوز چاپ نگرفته، درحالی‌که همان کتاب در نشر دیگر چندین بار چاپ شده و در حال چاپ است. یک بام و دو هوا یعنی همین! مشکل عمده دیگر ما ناشران، مشکل

انتشار نهج البلاغه در سال ۱۳۸۰ که ویژگی‌های خاص و موفقی داشت، یک کار شکلی و کاملاً حرفه‌ای. به این دو، مجموعه نقد و بررسی نویسندگان (جمال‌زاده، هدایت، چوبک، ساعدی، جلال و بهرام صادقی) که با سعی و کوشش محمدمنصور هاشمی، حسن محمودی، حسین شیخ‌رضایی، کامران پارسی‌نژاد و روح‌اله مهدی‌پور عمرانی منتشر شد.

در ابتدای شروع به کار، با چه مشکلاتی درگیر بودید؟

مهم‌ترین مشکل کمبود سرمایه بود. دنبال شریک می‌گشتم، کسی رغبتی نشان نمی‌داد. از بانک هم نتوانستم وام بگیرم چون وثیقه نداشتم. سرمایه خودم هم خیلی اندک بود. همه‌اش مبلغ ناچیزی بود حق التدریس در یک ترم در یک دانشگاه آزاد؛ مبلغی حدود ۲۰۰۰ تومان فقط. و البته در کنارش هم عشق بی‌پایان به کار بود و هم تجربه‌ای که در کنار ناشران کسب کرده بودم. البته آن روزها در کنار نشر، هنوز در دانشگاه و مرکز تربیت معلم تدریس می‌کردم.

بیشتر مشکلاتتان با کاغذ و چاپ کتاب است یا وزارت ارشاد جهت مجوز؟

به همه اینها، شبکه مافیایی توزیع و فروش کتاب را هم باید افزود. در سال‌های گذشته تفاوت قیمت کاغذ دولتی با کاغذ آزاد حدود ۲ برابر اختلاف داشت؛ یعنی وقتی که کاغذ دولتی مثلاً در سال ۱۳۸۰ بندی ۶۰۰۰ تومان بود، در بازار آزاد بندی ۱۶ الی ۱۸۰۰۰ تومان بود. یکی، دو سال بعد قیمت کاغذ دولتی تقریباً همان بود ولی قیمت کاغذ آزاد به بندی ۵۰ هزار تومان رسید. سال بعد این قیمت شد بندی حدود ۸۰ هزار تومان و سال بعدتر رسید به بندی حدود ۲۰۰ هزار تومان. و این کاری است عجیب. اینکه صبح اولین روز کاری دو سال پیش از قیمت کاغذ می‌پرسیدی، می‌گفتند بندی ۴۰۰

آقای عزیزی، چه شد که در کنار معلمی و نویسندگی و روزنامه‌نگاری، به کار نشر روی آوردید؟

در دهه ۶۰ چندین کتاب داستانی از من منتشر شد: «می‌روم زنگوله بخرم»، «همراه آفتاب»، «آوازهای خاموش» و «صدای نرم باران». اما هنوز به فکر نشر نبودم تا اینکه اوایل دهه هفتاد رفتم دنبال گرفتن مجوز. تأیید نمی‌شدم، با اینکه هم سابقه دستگیری قبل از انقلاب توسط ساواک را داشتم و هم مدتی در سال ۱۳۶۵ داوطلبانه رفته بودم جبهه. بالاخره پس از ۶ سال، پروانه موقت نشر روزگار را گرفتم و شدم ناشر. در فروردین ۱۳۷۷ نخستین کتاب نشر روزگار چاپ شد! مجموعه مقالاتی بود درباره خراسان‌شناسی به نام «دیوار آفتاب». دومین کتاب نشر، رمانی بود به نام «شقایق» از مهدیه عشرتی، و بعد برگزیده داستان‌های صادق هدایت توسط خودم به نام «زنی که مردش را گم کرد».

نام «روزگار» از کجا به ذهن‌تان آمد؟

هم از این شعر قائم مقام «روزگار است اینکه که عزت دهد که خار دارد / چرخ بازیگر از این بازیچه‌ها بسیار دار» و هم این شاهبیت ابتهاج: «روزگاری شد و کس مرده عشق ندید / حالیا چشم جهانی نگران من و توست...»؛ نشر روزگار به این صورت در تابستان ۱۳۷۶ شکل گرفت و تا به امروز بیش از ۱۰۶۰ عنوان کتاب منتشر کرده‌ایم.

بهترین خاطره انتشار کتاب‌های نشر روزگار برایتان کدام‌هاست؟

قاعدتا انتشار نخستین کتاب‌ها برایم خاطره‌انگیزترین و شیرین‌ترین اتفاق بوده است؛ چون تولید آن کتاب‌ها یک جور لذت و شیرینی خاصی داشت اما انتشار کتاب سه جلدی شاهنامه به نثر بازنویسی و توضیح دکتر میترا مهرآبادی (بدون کاربرد واژگان بیگانه) که حدود ۲۴۰۰ صفحه بود، برایم شیرینی و موفقیت بزرگی بود. همچنین